



ALL-NEW
**CAPTAIN
AMERICA**

IMMONEN/VON GRAWBADGER
AFTER KIRBY/ROMITA/GIACOIA
+ MARTEGRACIA

MARVEL

REMENDER ▪ IMMONEN ▪ VON GRAWBADGER ▪ GRACIA

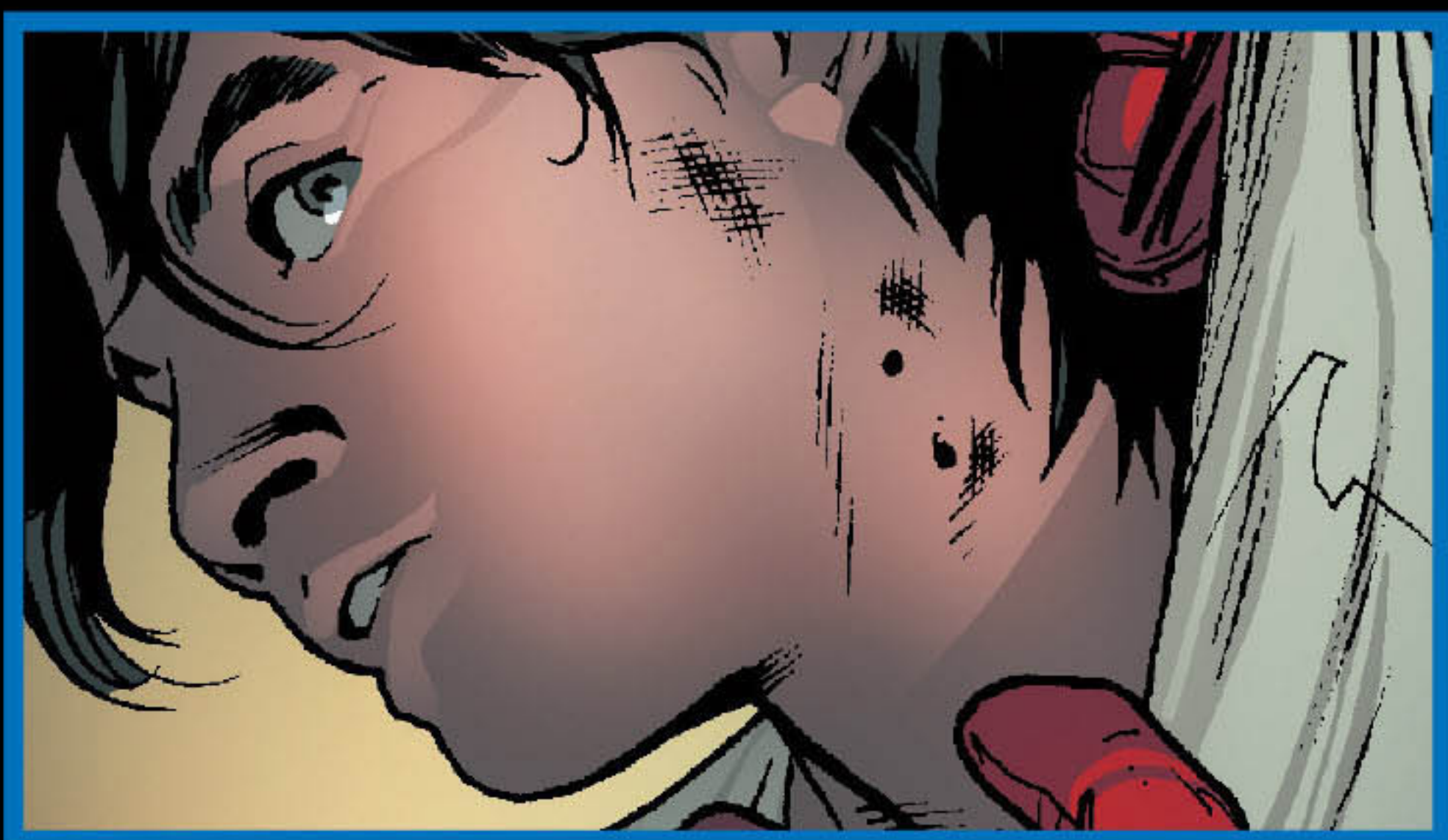
006
AR

کاپیتان آمریکای جدید #۶!

تأثیر سوپر سرمی که استیو راجرز را جوان و نیرومند نگه می داشت از بین رفت و باعث شد استیو بسرعت پیر شود. تا جایی که قادر به استفاده از سپر خود نبود. پس تصمیم گرفت کسوت کاپیتان آمریکا را به دوست و همکار قدیمی خود سم ویلسون بسپارد.



الان سم در کنار یان راجرز، پسر استیو از بعد زد، با نام نومد و در کسوت کاپیتان آمریکا با نیروهای ظلم و تباهی مبارزه می کند.



آن دو به اتفاق به دژ هایدرا حمله کردند تا کودکی را که خونش به ویروس عقیم کننده انسان ها آلوده بود، نجات دهند. متأسفانه این کودک یکی از نیروهای داوطلب بارون زیمو بود. ویروسی که در خون او بود می توانست هر انسانی غیر از اعضای هایدرا را مبتلا کند.

سم ویلسون و نومد به کمک میستی نایت مأمور مخفی شیلد توانستند جلوی نقشه اول بارون زیمو در پخش کردن ویروس را بگیرند. این زیمو را به فکر نقشه ای دیگر انداخت. قرار بود ومپایری که خون این کودک را مکیده بود، خود را در ارتفاعی بالا منفجر کند و جو زمین را آلوده کند...



RICK REMENDER
WRITER

STUART IMMOMEN
PENCILER

WADE VON
GRAWBADGER
INKER

MARTE GRACIA
COLORIST

VC'S JOE
CARAMAGNA
LETTERER

ALANNA SMITH
ASSISTANT EDITOR

TOM BREVOORT
EDITOR

IMMOMEN, VON
GRAWBADGER & GRACIA
COVER

AXEL ALONSO
EDITOR IN CHIEF

JOE QUESADA
CHIEF CREATIVE OFFICER

DAN BUCKLEY
PUBLISHER

ALAN FINE
EXECUTIVE PRODUCER

Captain America created by Joe Simon & Jack Kirby



یالا اعمو
سم... بازی کن
دیگه!

یه بار
دیگه بازی سپر
رو انجام بدیم!

کو چولوهای
شیطون، یه کم
به حال خودش
رهاش کنید...



هفته
اول کاپیتان
آمریکا خیلی
پرکار بوده.

دو تا
بچه خوشگل
اینجا می بینم.

مطمئنی
بچه های
خودتند؟



از یکی از
همسایه ها
دزدیمشون.
نه.

خوب؛
چون یه لیمونا
رشو بهم دادی
چشم پوشی
می کنم.



دیدن شادی این
دو تا... این همه
مبارزه رو ارزشمند
می کنه.

خوشحالی
خودت چی؟

قبلاً خیلی
در مورد تشکیل
خانواده حرف
می زدی.



برای
انتقال همه
چیزهایی که از
پدر و مادر یاد
گرفتیم.



تا به
شکلی دیگه
انجام بشن.

البته
حواسم بهت
هست.
و خوشحالم
که بچه های من
باعث شادی تو
می شن ساموئل.
ولی من تو رو
می شناسم...

"...تو هیچوقت بدون خانواده
خودت خوشبختی رو حس
نخواهی کرد."

تو توی زندگی
شخصیت همه اش
در حال فراری.

از یه فاجعه
به فاجعه بعدی.

باید یه کم این بین
برای خودت وقت بذاری
که زندگی کنی؟

ولی این کار
این اجازه رو
بعث نمی ده.

این همه
ناراحتی برای
یه پرنده...



...که
اصلا جای
تنقلات رو هم
نمی گیره!

استیو
هیچوقت وقت
استراحت نداره.

هیچوقت وقت اینو
نداره تا از لذاتی که لحظات
کوتاه برای آدم های عادی
ایجاد می کنه، لذت بیره.



استیو همیشه
تو صحنه
حاضر بود.

همه چیز رو بخاطر
بقیه ما به گردن
گرفته بود.

TWOK

KWINK



چی...؟

با از خود
گذشتگی...



...ای کاش
همیشه بود.

KRUNCH

GRAH--!



ولی نیست.

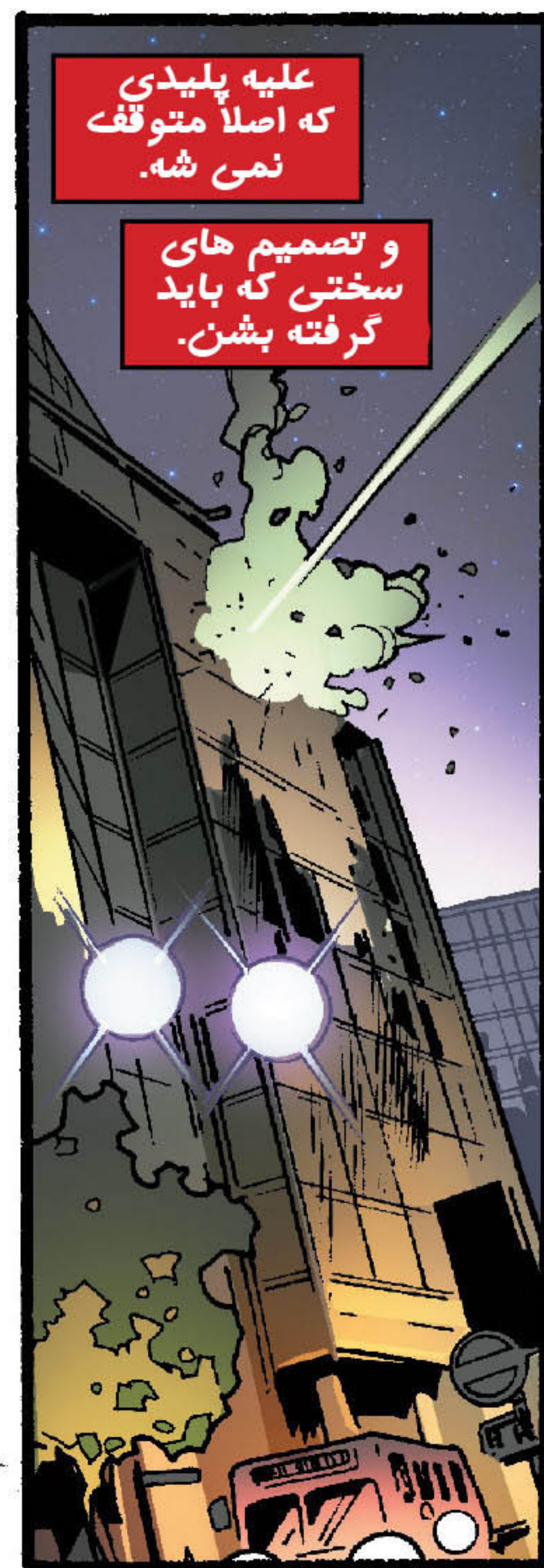
الان همراه عشق زندگیش تو به کلبه نشسته و غروب آفتاب رو تماشا می کنه.

چیزی که براش زحمت کشده.



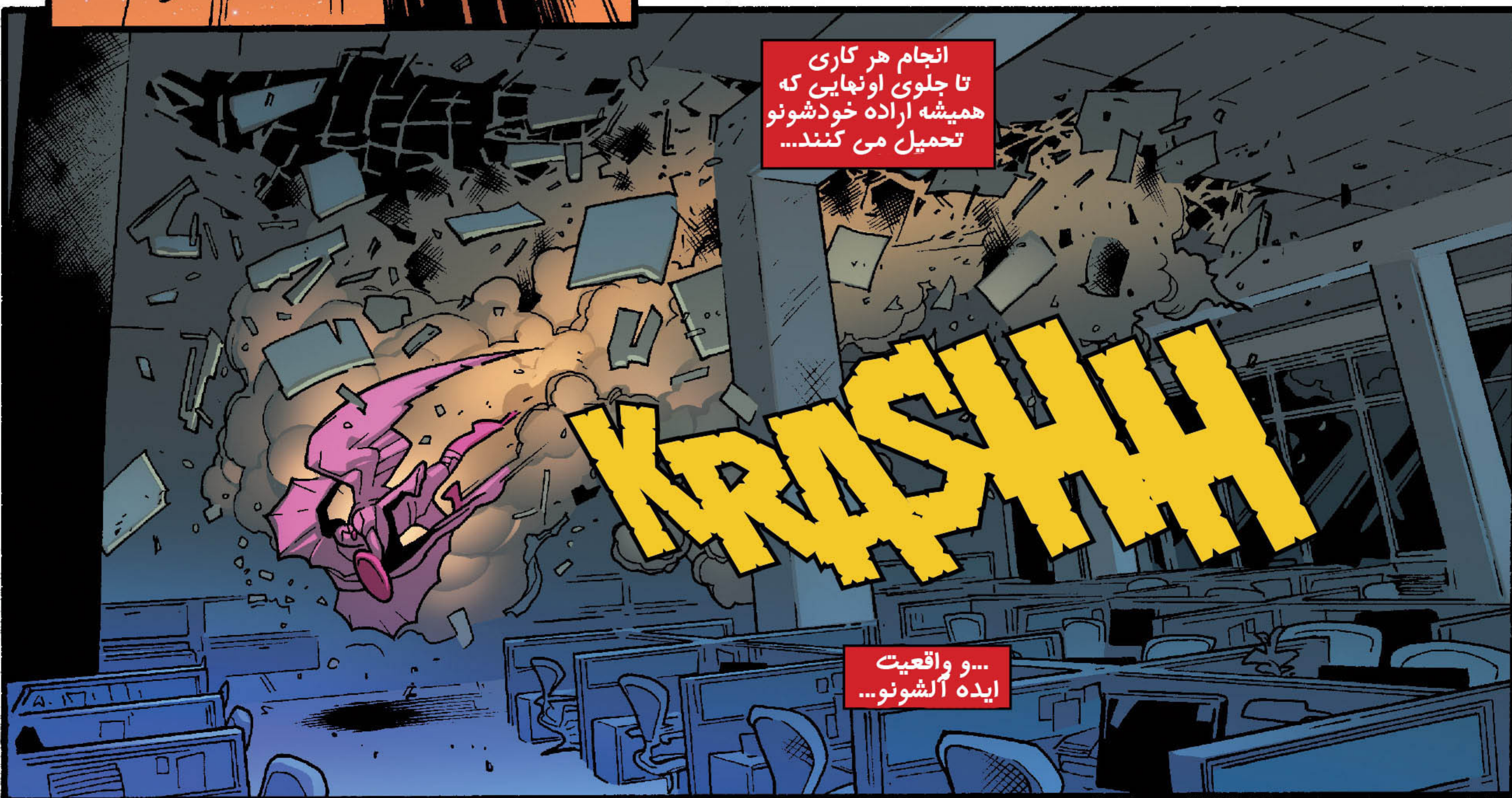
الان من رو دیوارهام.

TWUK



علیه پلیدی که اصلا متوقف نمی شه.

و تصمیم های سختی که باید گرفته بشن.



انجام هر کاری تا جلوی اونهایی که همیشه اراده خودشونو تحمیل می کنند...

KRAASH

...و واقعیت ایده آالشونو...



...به بقیه مردم.

تو بمب منو می خواهی؟

می خواهی به من نزدیک بشی موجود خونگرم؟! می خواهی؟

من مشکلی ندارم!

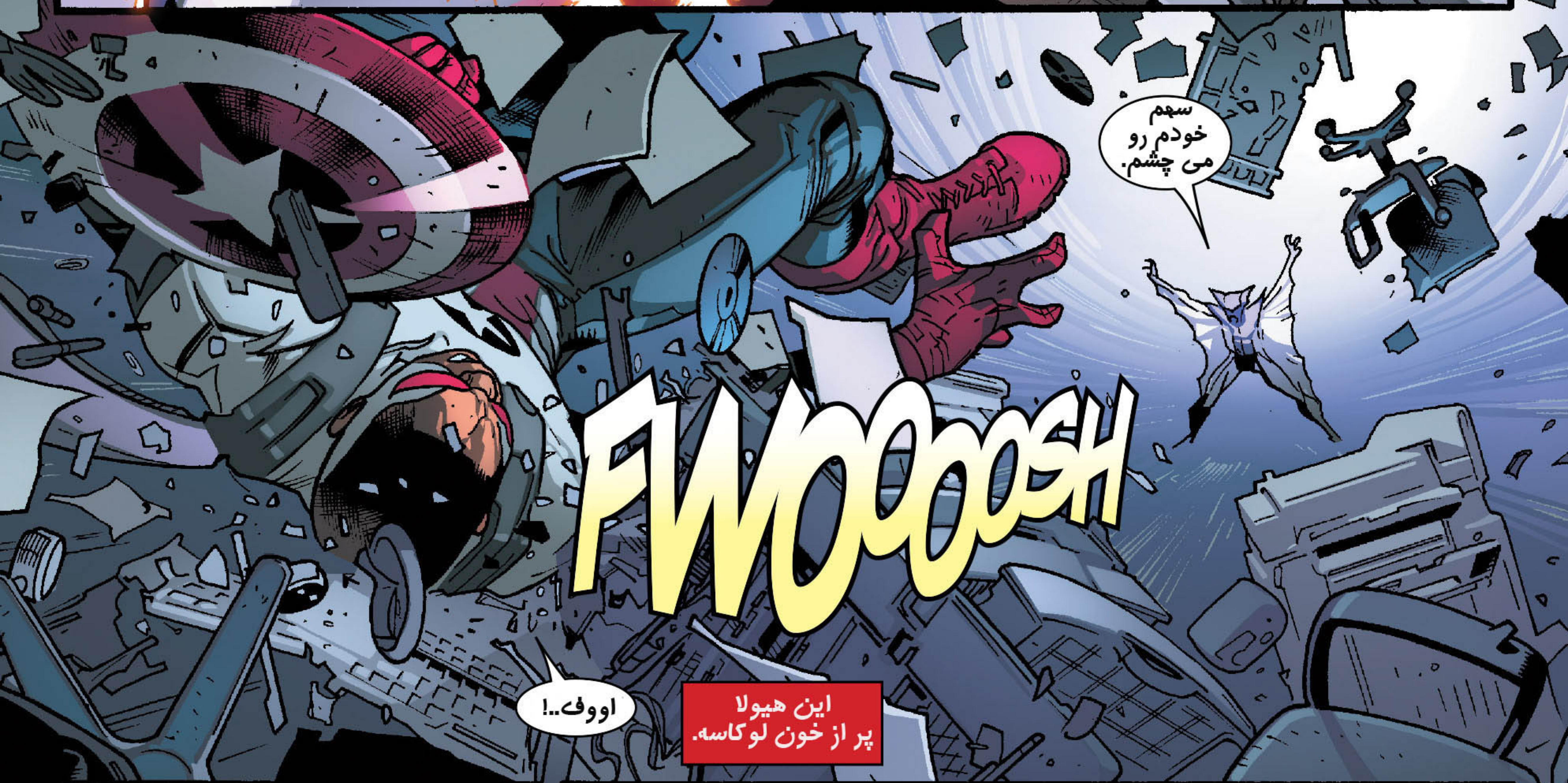


چون همچین نفرتی آدم رو تشنه می کنه!



تنها خواسته اکثر مردم اینه که تو آرامش بچه هاشونو بزرگ کنند.

BAH!
هر چقدر می تونی پنهان شو!



سجم خودم رو می چشم.

FWOOOSH

اووف..!

این هیولا پر از خون لوکاسه.



یه قطره از اون خون آلوده ام می کنه

چطور می تونم بدون نزدیک شدن به دندونهایش متوقفش کنم؟

بزودی این دنیا پر می شه از آدمهای پیر کشیفی که نمی تونند از اون دفاع کنند



ضیافتی برای خانواده من!

اگه به اندازه کافی بالا بره..

...اگه نتونم جلوی انفجار اون بمب دور کمرش رو بگیرم...



...هیچکسی غیر از هایدرا نمی تونه بچه دار بشه.

نمی دارم همچین غلطی کنی.

فلوریدا اور گلیدز۔

چقدر استیو
راجرز باید از
قاتلی راضی
باشه.

نه تنها
قاتله، بلکه
یه بازنده است
که نمی تونه
کارو تموم
کنه!

کارو تموم
نکردم چون
اهمیتی برام
نداشت.

فقط
می خواستم
تو سرراه
نباشی.

بارون،
آماده باش!
می خوام بمبت
رو منفجر
کنم.

احمق نشو
زیمو! من هنوز
به اندازه کافی
اوج نگرفتم!

دیکه هیچ
ریسکی از طرف
کاپیتان آمریکا
رو تحمل
نمی کنم...

...می دونم
کی جلوی ضرر
رو بگیرم و برد
نسبی بدست بیارم.



احمق
کوتاه بین!

خواست باشه
چه از خودگذشتگی
دارم می کنم!

می دونی
چقدر وقت لازمه
تا دوباره ترمیم
بشم!؟



و تا زمانیکه
دوباره ترمیم بشی
پادشاهیت منتظرت
می مونه.



متأسفم
زیمو...



...به سم قول
دادم به کم
براش و قشقی
کنم.

GRAH--!



قبل از اینکه
قول بدی باید در
موردش فکر
می کردی.

تو هم
باید...



...قبل از
اینکه پیری فکر
کنی.



لعنتی.

“بالاخره آرامش...”



...اولین شمه
از جاودانگی در
انتظار منه.

من حکمران
یک جمع از
خونسردها خواهم
بود.



صلح و آرامش
برای هموعان
من

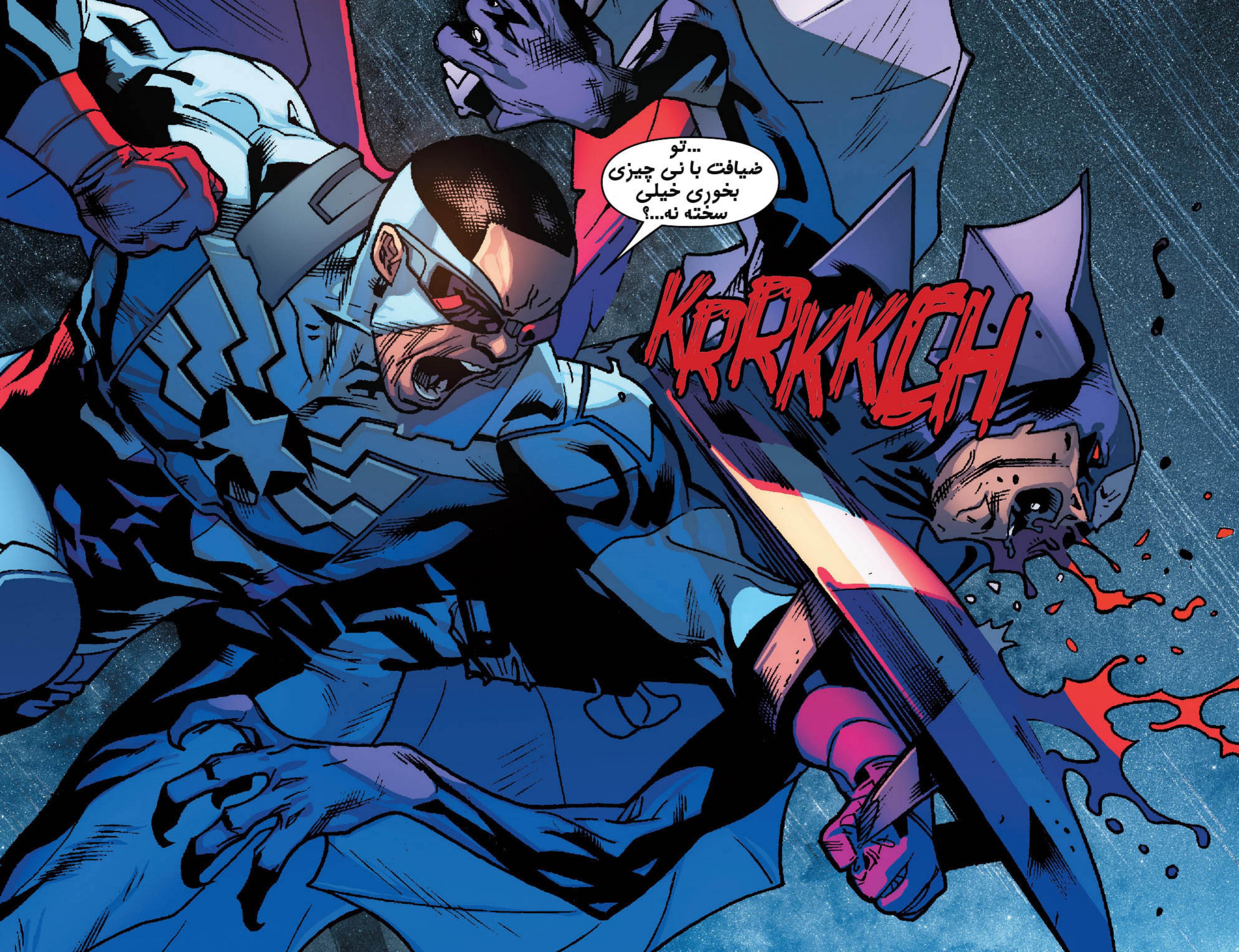


مزارعی پر از دام.

ضیافتی
جاودانه!



نمی دارم
به امیدهات زیادی
بال و پر بدی
نازی...



...تو
ضیافت با نی چیزی
بخوری خیلی
سخته نه...؟

KORRKKOH



و چون
تو نتونستی په
جنبه ساده کار بردی
رو درک کنی، بدار
خویشاوندان آینده تو
رو از دست بی کفایتی
تو خلاص کنیم.



افرادی مثل
تو حالمو به هم
می زنند.

خیلی راحت
آینده دیگران رو برای
آرامش خودتون نابود
می کنید.

طبیعت
ازمون می خواد تا
هر چیزی که مانع
رسیدن به منابعمون
هست بکشیم.

یه انسان
واقعی که
ملتی رو برای تأمین
خانواده اش از
بین می بره.



چطوره
مطمئن بشیم
که تو نمی تونی
صاحب خانواده
بشی!

GLORF

نه...!

"کاپیتان خوب
طعم خون رو
چشید..."

KLUNGG

...اولین کسی هستی که عقیم می شی.

تنها به جرم مقاومت در برابر آینده باشکوه هایدرا.

احمقن اکه فکر کنی ما نمی تونیم کمکش کنیم.
اون یه انتقام جوئه.



بزرگترین مغزهای جهان جمع می شن تا تاثیر مسموم شما رو خنثی کنند.



آخیییی... سالها برنامه ریزی...
خراب شد!



TWOKK

ایکاش می دونستم! انتقام جویان دانشمند هم دارند!





اینقدر
اهانت در برابر
فراستی که باهاتش
مواجه شدی.
این همه
بی تجربگی...

TWOOK



هیچکس تو
دنیا نمی تونه
اینقدر تلفات رو
چیران کنه...
دی ان ای
ویلسون از نو
داره نوشته می شه.



...از انفجار جون
سالم به در نمی بره
تا رنج این سرنوشت
رو بکشه.



راجرز کوچک
تو خوب جنگیدی.

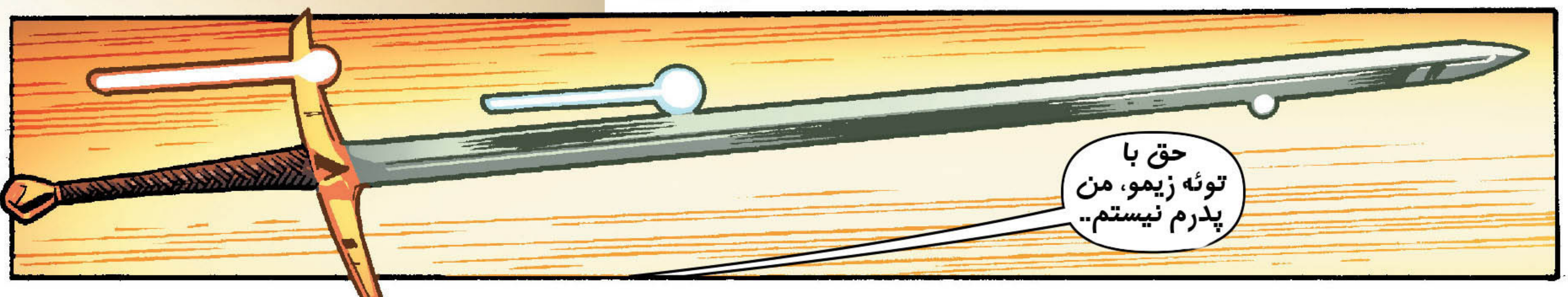
باعث شدی
پیروزی من
با ارزش بشه.



تنها حسرت
من اینه که
پدرت جای تو
نیست.



ولی اینو
هم می دونم که
پدرها سایه های
بزرگی به جا
می دارند.



حق با
توئه زیمو، من
پدرم نیستم..

...درسی
که سعی می‌کنم
بهت منتقل
کنم.

YERGH--!

SCHLUNK

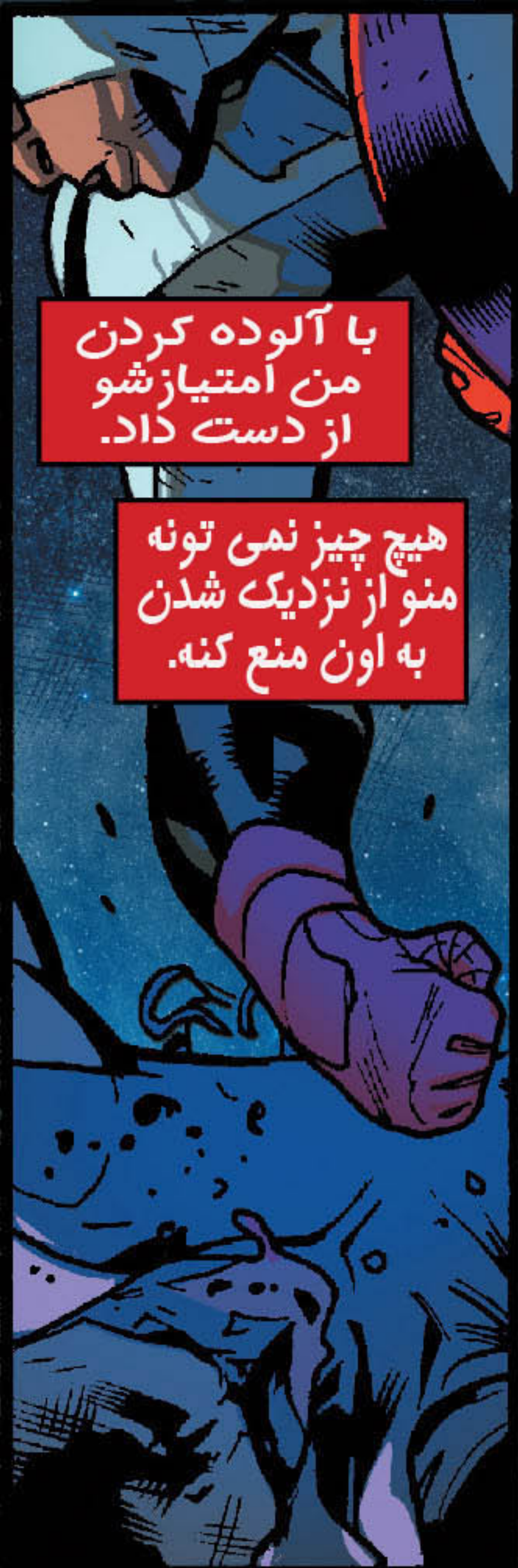
الان دیگه
چیزی برای
دفاع باقی
نمونده...

...چیزی
برای باخت
نمونده.

آلودگی.

هوایی
نیست.

هرچند، راهی باقی
نمانده بود که از این
مهلکه بی‌آسیب
عبور کنم.



با آلوده کردن
من امتیاز شو
از دست داد.

هیچ چیز نمی‌تونه
منو از نزدیک شدن
به اون منع کنه.



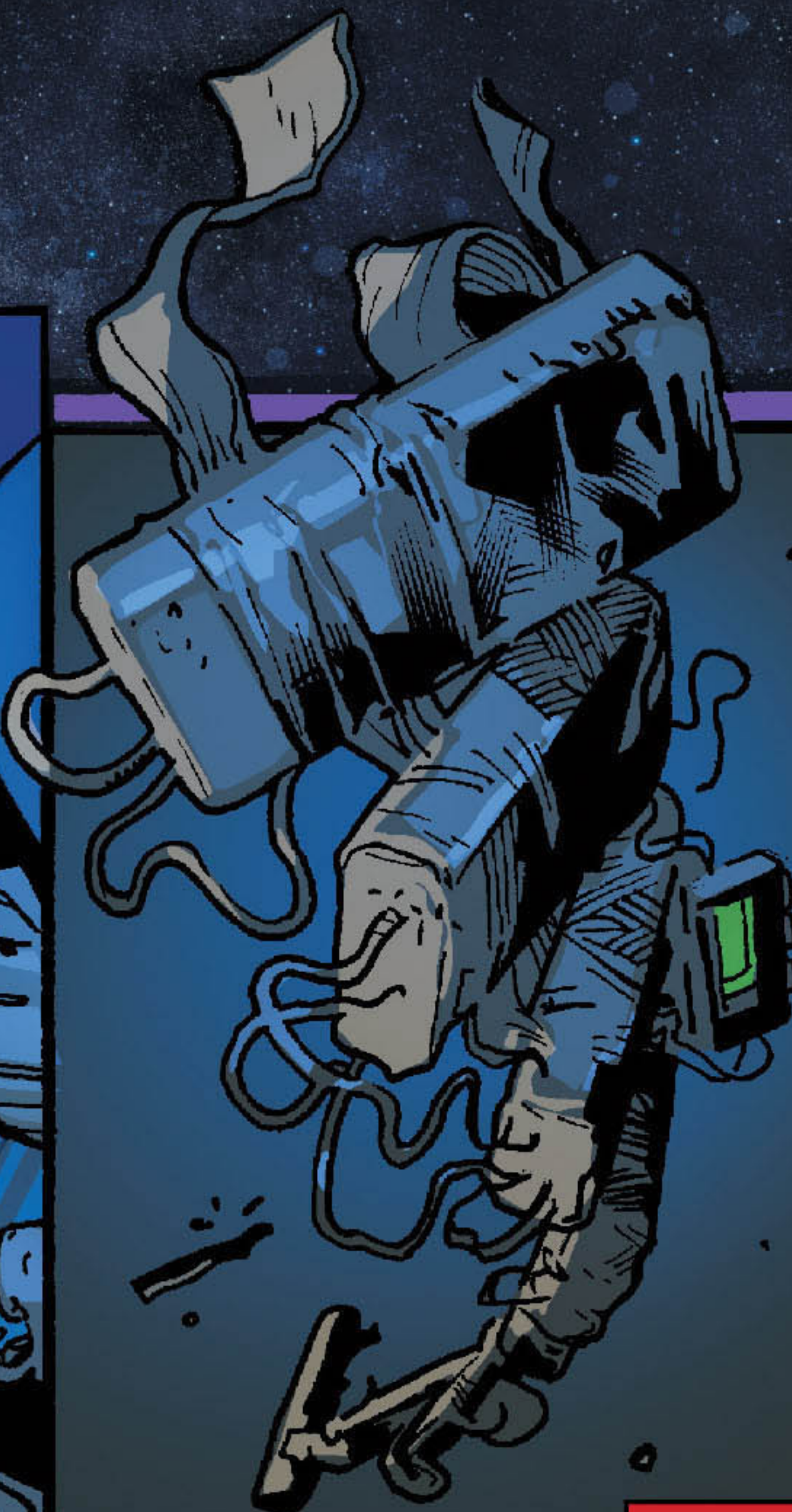
بمب رو
بگیر...

...دنیا رو
نجات بده...



...و تمام
خانواده‌ها رو
نجات بده.

و فرداشونو
تضمین کن.



چون الان
منم که
مسئولم...

چون...
من کاپیتان
امریکام.



در ارتفاع
پایین.

چند ساعتی
معلق
می مونه...

گروه شیلد
باید متوجه انفجار
شده باشند.

حتماً پیداش
می کنند.

پدر و مادر
لبخند
می زنند.

دنیای آینده
به ما برگشت.

سقوط
آزاد...

...باد زوزه
می کشه...

...کنترلی در
کار نیست.

مهم
نیست.

کار
تمومه.

آینده من در
برابر آینده مردم.

KRSHHH

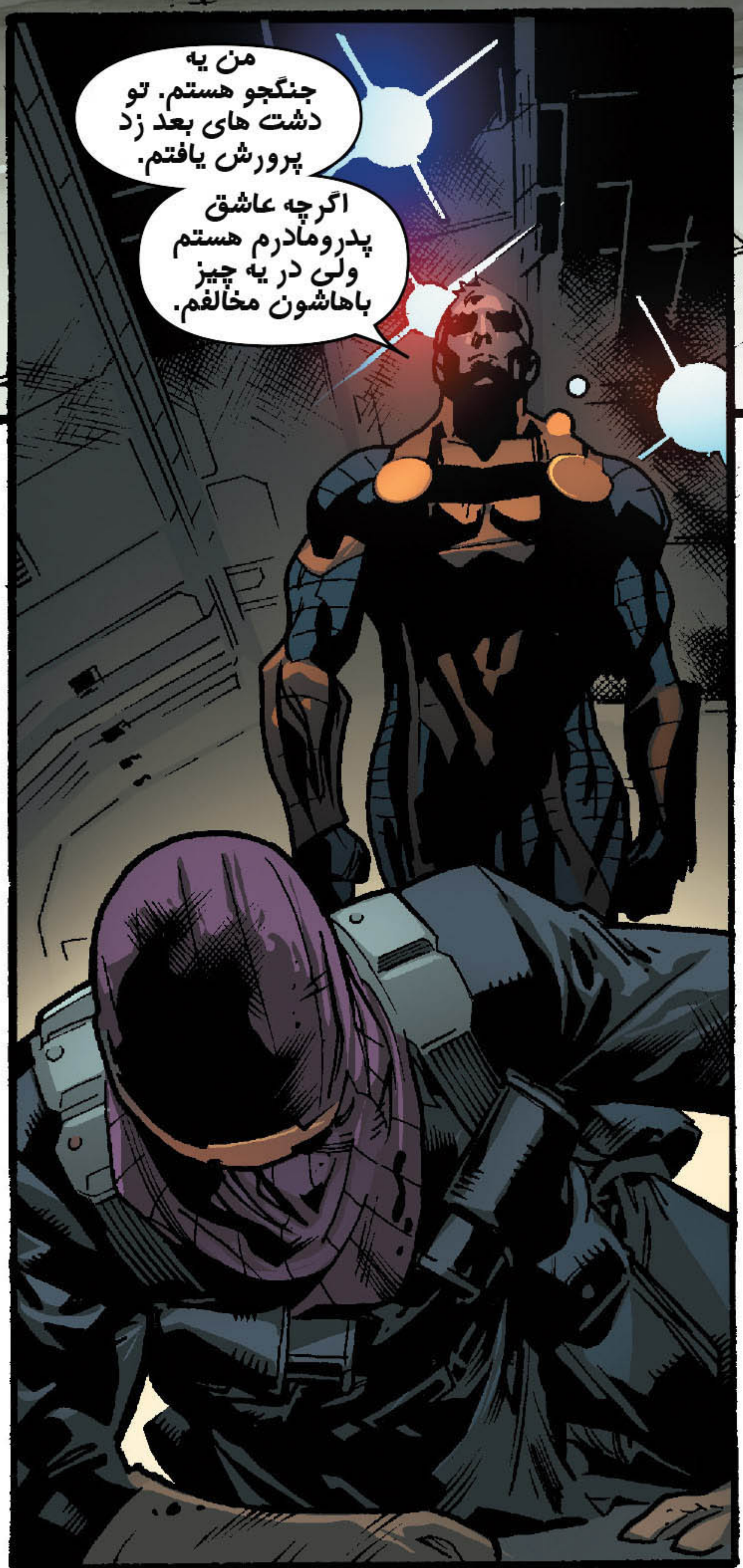
"این درست که
استیو راجرز منو
پرورش داد..."



...ولی هنوز
یه کم خون زولا در
رگهام هست.

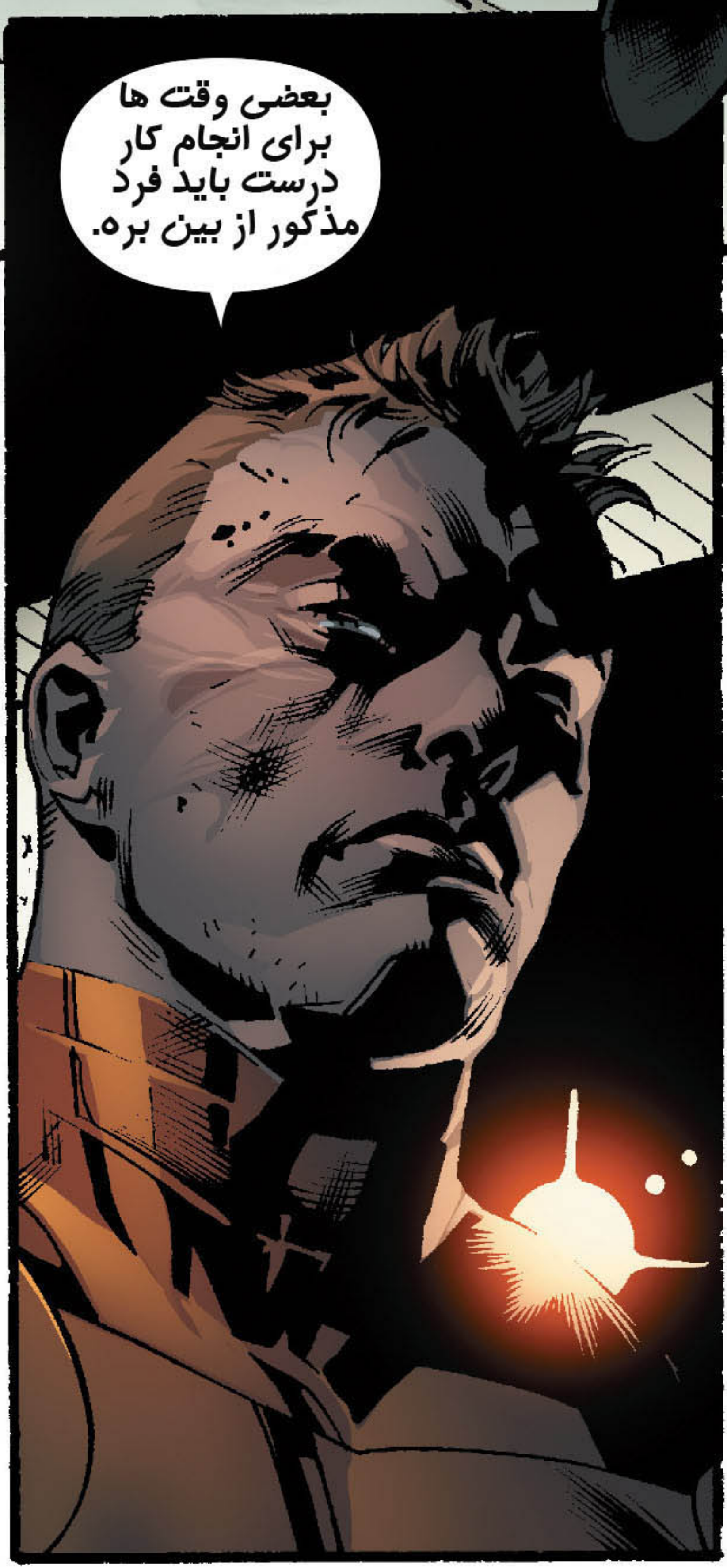
به اندازه ای
هست که بفهمم
آدم هایی مثل تو
فقط مایه عذاب
مردمند.

و اینکه
هیچوقت متوقف
نمی شن.



من یه
جنگجو هستم. تو
دشت های بعد زد
پرورش یافتی.

اگرچه عاشق
پدر و مادرم هستم
ولی در یه چیز
باهاشون مخالفم.



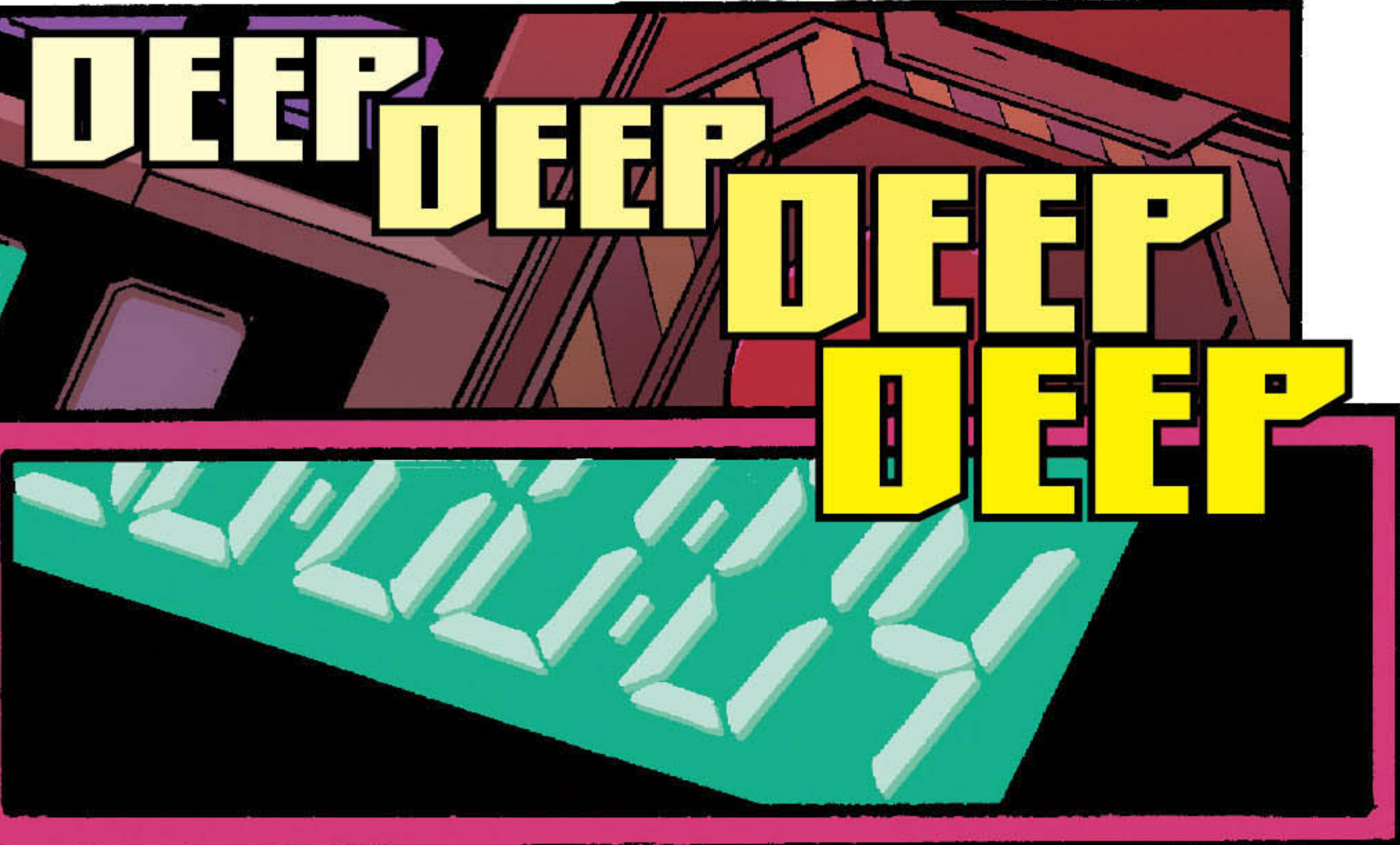
بعضی وقت ها
برای انجام کار
درست باید فرد
مذکور از بین بره.



کاملاً
موافقم...



...چه
خوب که در مورد
اصول کار با هم
توافق داریم.



"پدر سر
هیچ خودشو
به کشتن داد."

MR. AAAAAA

"چرا؟"

"چرا باید
کلمهای به زبون
می آورد؟"

"خانواده ای
داشت که بهمش
نیاز داشتند."



"شاید ما
اصلاً براش مهم
نبودیم."

"شاید ایده آل هاش
براش مهمتر بودند."

سم اگه قرار
باشه فقط به خانواده
خودمون فکر کنیم، اگه
هر کسی فقط به فکر
خودش باشه...

...چجور
دنیایی خواهیم
داشت؟



جامعه فقط
برای پرورش
بچه ها نیست.

برای رسیدن
به هر چیز واقعی
و پایداری در زندگی
همکاری لازمه.

ما همه هر لحظه جای
خالیشو حس می کنیم.

ولی هیچ
ایده آلی از نظر
پدرت بهتر از این نبود
که جونشو فدای سم
کنه.

اگه کمک به مردم
رو متوقف کنیم، همه
چیز رو از کف دادیم.

و بعضی
وقت ها بهای اون
رو هم باید پرداخت.

پدرت با
رضایت این بها
رو پرداخت.

بهایی که
من از پرداختش
راضی ام.

و اگه به
ندای قلبت
گوش
کنی...



"...متوجه می شه
که احتمالاً خودت
هم راضی به پرداخت
این بها هستی."



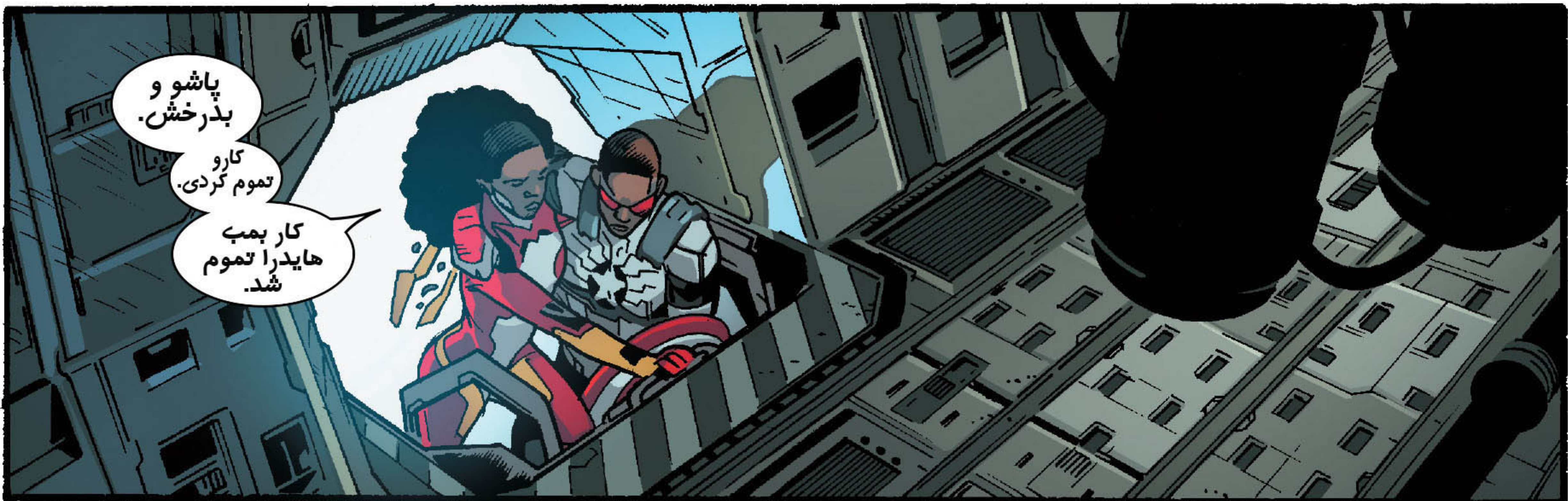
نه
هنوز برای از
دست دادنت زوده
پرنده آبی.



پاشو و
بدرخش.

کارو
تموم کردی.

کار بمب
هایدرا تموم
شد.



کابوس
فعلی از بین
رفت.

کاف...
نه هنوز.

لوکاس...
هنوز اون
بیرونه...





این مشکل کوچیک رو من حل کردم...

همونجایی که ولش کردی پیداش کردم. می خواست مچ خودشو ببره و فرار کنه.

یکی دیگه هم پیدا کردم...



...ولی نمی دونم با اون چشم های سرخ چیکار کنم.

ردوینگ!

SCREE!



برای کاپیتان آمریکای جدید نباید روز بدی باشه.

روز رو به سلامت به پایان رسوندی و شر ریپر هم کم شد.

شاید ریپر



ولی مقداری از خون وارد بدنم شده.

اگه کاری رو که می کن بکنه...



برات مهمه؟

منظورم تشکیل خانواده است؟



منظورت
چیہ؟

اگہ داشتن
خانواده مهم
باشہ شاید من
بتونم کمک
کنم.



مطمئن...
نیستم بفهمم
چی می گی.



من از
یکی از وایپرها
پلازهر گرفتم.



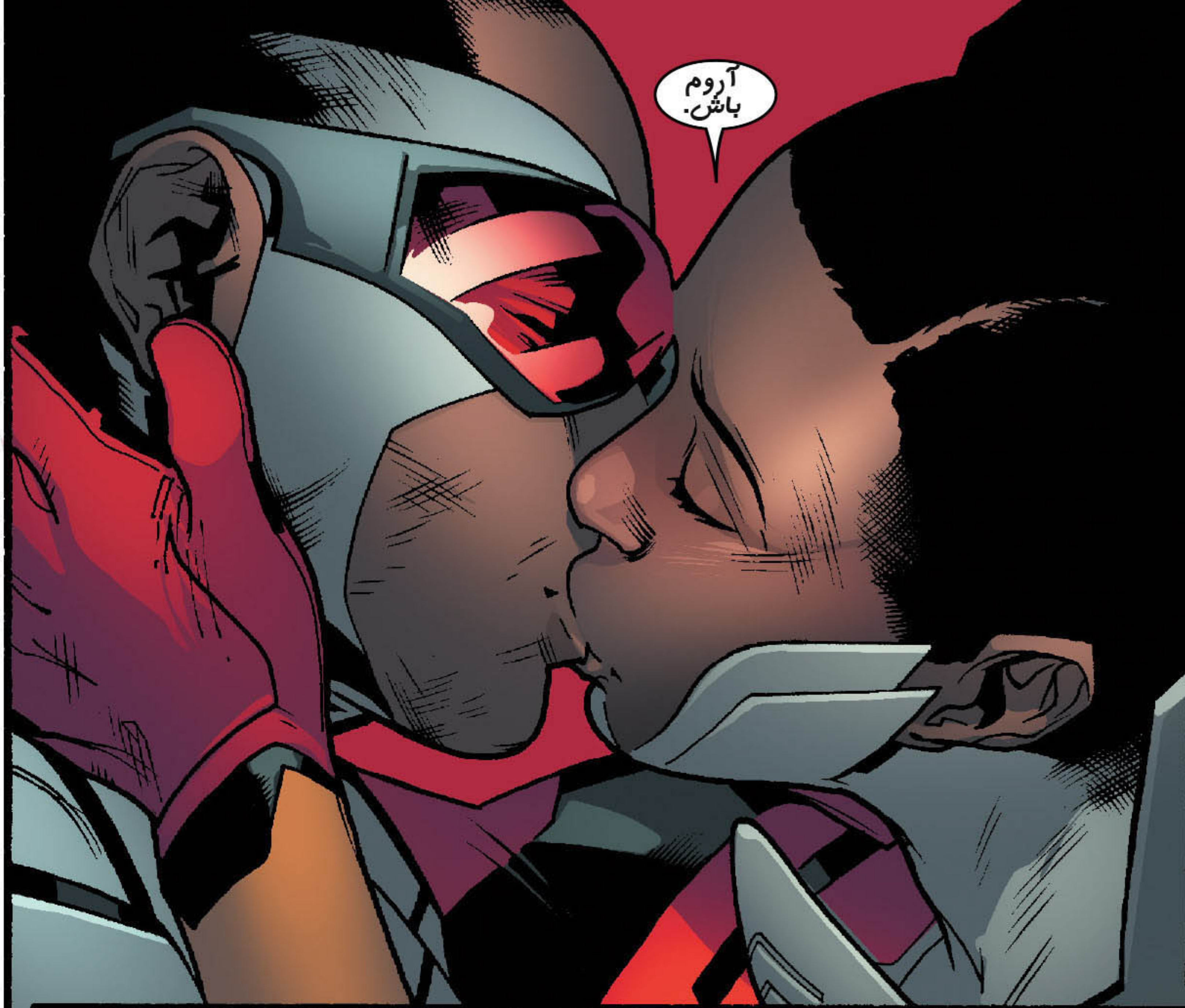
فکر کردی
منظورم چیہ؟
فکرهای بد نکنی
یہ وقت!

من...
مطمئنی
مؤثرہ؟



اون وایپر
کہ اینجور فکر
می کرد.

ممنونم
میستی.
چطور
می تونم این
لطف تو رو
جبران کنم؟



آروم باش.



من... باید برم...

کاپیتان آمریکا زده کردم؟



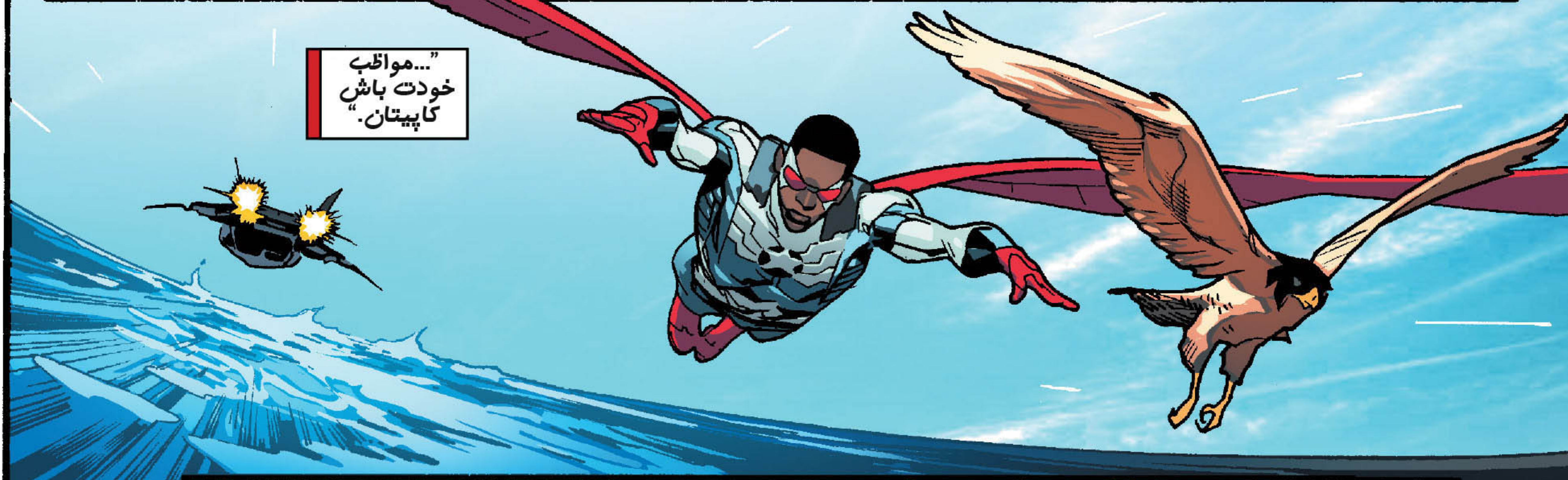
دقیقاً. ولی به این دلیل نیست که باید با عجله برم.

قبل از اینکه تکرار گنه باید بری و نومد رو پیدا کنی.



لوکاس رو تحت نظر می گیری؟

به نظرت می تونه جای بره؟ نگران نباش تو مقر شیلد تحویلش می دم...



...مواظب خودت باش کاپیتان.



کمی بعد.

طبق تصاویر ماهواره ای که از پایگاه هایدرا دریافت می کنیم...



...هیچکس
قبل از انفجار
از اونجا خارج
نشده.

تمام تصاویر
ماهواره ای
رو مرور کردیم.

به نظر
میاد یان راجرز
مرده.

راه دیگه ای
برای خروج وجود
داره.
نه. باور
نکنید.

این اولین
باری نیست که فکر
می کنیم بازگشتی برای
یان وجود نداره.



امیدوارم
همینطور
باشه.



پسر ما
زمین گیر
نمی شه.

نه. یان
راه زنده موندن
رو بلده.



من نمی تونستم
بدون اون جلوی
هایدرا رو بگیرم.

شما دو تا
یه سرباز تمام عیار
پرورش دادید.



شما هم حرکتی
رو رهبری کردید
که دنیا رو از شر هایدرا
نجات داد.



از به نظر فکر نمی کنم
که این آخر کار
باشه استیو.

این تنها طرحی نیست
که هایدرا به فکر عملی
کردنش باشه.



سم، اگه اطلاعات
جدیدی داری، الان وقتشه
با ما هم در میون بذاری.

از اینکه اطلاعاتی
رو ازم مخفی کنی
حسن خوبی ندارم.

منم حسن خوبی
نسبت به شیلد
ندارم.



همه این ماجرا زیر چشم های
تو اتفاق افتاد و تا اونجایی
که من می دونم تنها
کاری که کردی این بود که
میستی نایت رو آوردی
توی کار.

راست
می گی؟



میستی
نایت؟

فکر می کردم
تا حالا لوکاس رو
پیش تو آورده و
تو یه جای امن نگهش
داشته؟

نه.

اینطور
نیست.

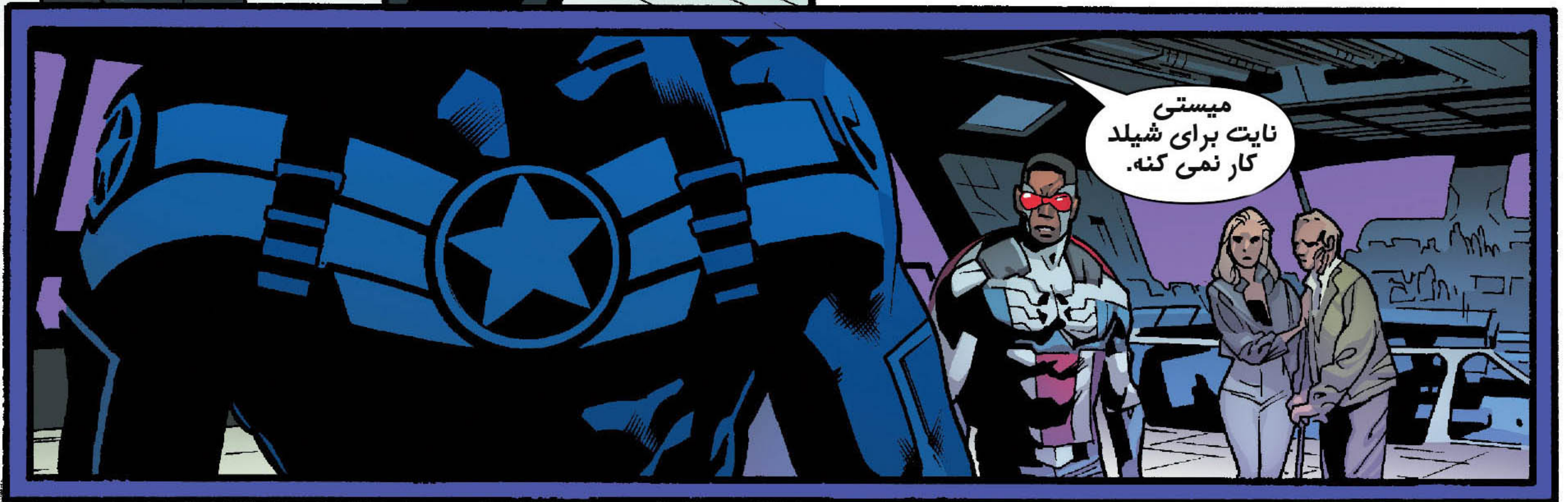
منظورت
چییه؟

می دونی
چه پوستی از
ما کنده شد تا اون
بچه رو متوقف
کنیم؟

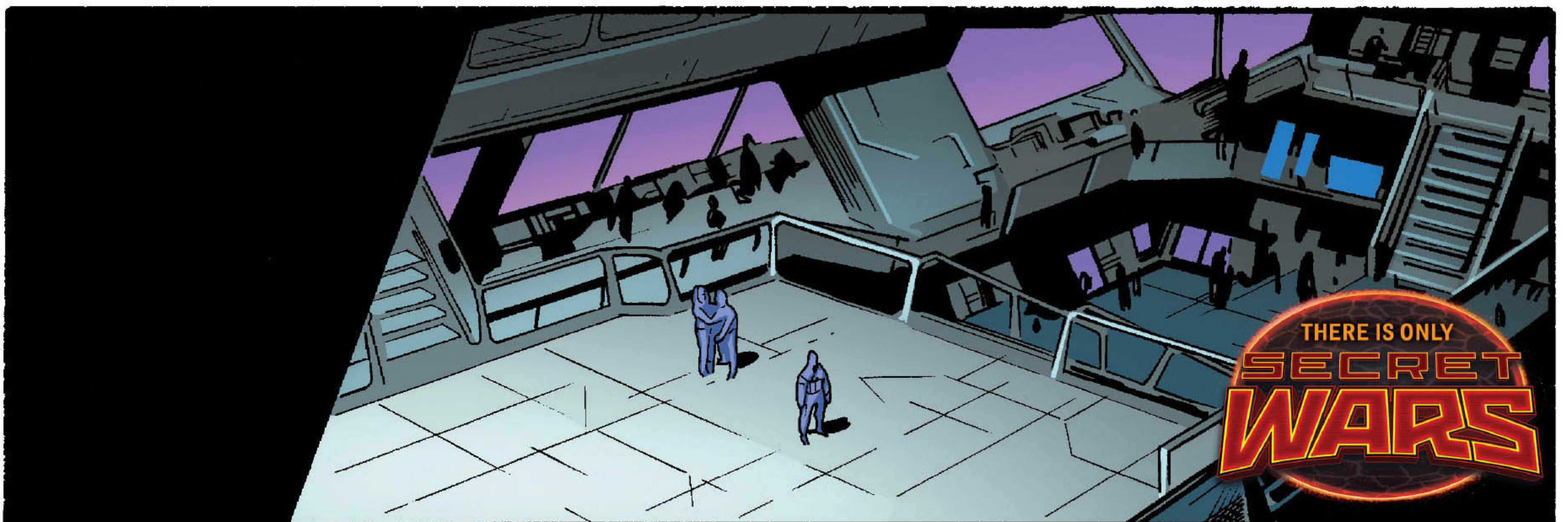


الان
میستی کجاست؟

خوب
موضوع اصلی
همینه
سم...



میستی
نایت برای شیلد
کار نمی کنه.



THERE IS ONLY
**SECRET
WARS**